

بررسی تاریخی سبک زندگی علمای عهد ناصری در کمک به نیازمندان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

عباس کاکاوند قلعه‌نویی*

چکیده

تعامل اجتماعی و رسیدگی به امور مردم، در سبک زندگی علمای دوره‌ی ناصری، جایگاه ویژه‌ای داشته است و ایشان در حقیقت می‌توانند، الگوی تمام عیاری در این زمینه باشند. علمای این دوره، در دستگیری از نیازمندان بسیار منعطف عمل می‌نمودند؛ به گونه‌ای که در هر زمان و مکانی که دست نیاز به سوی آنان می‌آمد، از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کردند؛ هرچند خود ایشان در کمک رساندن به نیازمندان، همیشه مقدم بودند و این مهم، سیره مستمر ایشان در طول زندگی پربارشان بود. سبک زندگی ایشان در دستگیری از نیازمندان، شامل موارد متعددی می‌شد از قبیل ترجیح نیازمندان بر نیاز خود، حفظ آبروی نیازمندان هنگام انفاق، انفاق در سر و انفاق غیرمستقیم، اولویت انفاق به ارحام و خویشان، انفاق از طریق گروه‌گذاشتن منزل، انفاق از طریق نماز استیجاری، کمک به شیعیان اسیر، تکفل یتیمان، تقبل هزینه‌های بیماران، رسیدگی به فقرای سایر شهرها از طریق رابطان علما و مردم آن شهر (این رابطان عموماً تجار همان بلاد بودند)، کمک به طلاب نیازمند به‌خصوص آن دسته از طلاب که اهتمام جدی به درس و بحث داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، عهد ناصری، عالمان شاخص، نیازمندان.

مقدمه

انسان، موجودی اجتماعی بوده و در زندگی خویش، ناگزیر از ارتباط و تعامل با دیگران است؛ چنان‌که رشد و تأمین سعادت آدمی، در گرو توسعه همه‌جانبه جامعه بوده و تعالی جامعه نیز در گرو رفتارهای اجتماعی افرادی است که در آن زندگی می‌کنند. حضور و تعامل با افراد جامعه، افزون بر این‌که نیازهای او را برطرف می‌سازد، زمینه ایجاد حس مشترک و احساس مسئولیت در برابر دیگران را نیز فراهم می‌کند. جوامع مختلف، متناسب با مبانی فرهنگی و ارزشی خویش، اهداف مختلفی را برای سعادت فردی و اجتماعی انسان در نظر می‌گیرند و همین امر، موجب شده است که این جوامع، گونه‌های متفاوتی از رفتار اجتماعی را برای انسان‌ها توصیه کرده و در نتیجه، سبک‌های گوناگونی از زندگی اجتماعی شکل بگیرد.

مطابق آموزه‌های غربی، سبک زندگی مادی غرب و رفتارهای اجتماعی شهروندان آن، در سایه اموری چون تأمین رفاه و آسایش، کسب لذت، تکاثر اموال و سلطه بر دیگران معنا می‌یابد؛ اما دین اسلام، با عنایت به آموزه‌هایی که در کتاب و سیره اهل بیت علیهم‌السلام ارائه شده است، گونه‌ای متمایز از رفتارهای افراد را در عرصه اجتماع سفارش نموده است.

در ادبیات دینی، مردم با تعبیری مانند «عیال‌الله» (مجلسی، بی‌تا: ۳۰۷/۷۱) و «کالجسد الواحد» (همان: ۱۵۰/۵۸) با هدف ایجاد احساس مسئولیت متقابل در جامعه به‌ویژه جامعه مؤمنان معرفی شده‌اند. حضرت علی علیه‌السلام در بیان مصداق این احساس مسئولیت می‌فرماید: «این درد مرا بس است که با شکم سیر بخوابم و اطرافم شکم‌های گرسنه باشد». (همان: ۶۷)

دلیل علاقه عاطفی و احساس مسئولیت نسبت به انسان‌ها، آن است که در اساس، محبت واقعی، خود را در چهره خیر رساندن به دیگران نمایان می‌سازد. نکته دیگر این‌که از منظر اسلام، مؤمنان اولیاء یکدیگرند و در مقابل وضعیت و سرنوشت هم مسئول‌اند:

«مردان مؤمن و زنان مؤمنه دوستان یکدیگرند و بین آنان رابطه و صلح و وحدت و عواطف محبت‌آمیز حکم‌فرماست. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. نماز به پا می‌دارند. زکات می‌دهند. خدا و پیغمبر را اطاعت می‌کنند. البته اینان، رحمت الهی شامل حالشان می‌شود. خداوند، غالب و حکیم است.» (توبه: ۷۱)

علاوه بر رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام که اسوه‌هایی کامل می‌باشند، الگوهای متعددی به‌عنوان شاخص رفتارهای مطلوب اجتماعی در مکتب اسلام وجود دارد که از مهم‌ترین آنان می‌توان به سیره انسان‌ساز «علمای ربانی» اشاره کرد؛ گرچه فهم مبانی، مؤلفه‌ها و راهکارهای رفتاری در سبک زندگی اجتماعی را می‌توان در آموزه‌های قرآنی و روایی جست‌وجو کرد؛ اما از آنجا که این بخش از سبک زندگی، عمدتاً در سایه رفتارهای انسانی جلوه‌گر می‌شود، فهم و دستیابی به این‌گونه از سبک زندگی، به دنبال بازخوانی جنبه‌های زندگی برخی الگوهای رفتار اجتماعی مانند علما، آسان‌تر خواهد بود.

رفتارهای انسان دوستانه و خیرخواهانه‌ای از آن بزرگواران به یادگار مانده که تأسی به آنان، منجر به اصلاح سبک زندگی کنونی شده و در نهایت باعث تنزیه جامعه از آلودگی‌های اجتماعی می‌گردد. چنین جامعه‌ای است که از هر نظر، رشد و تعالی می‌یابد. البته هم‌جهت بودن رفتارهای علما در این دوره، منافاتی با این نکته ندارد که بعضی از ایشان در شرایط خاص، رفتار متفاوتی با برخی دیگر از علما داشته‌اند.

سبک زندگی اجتماعی شامل موارد متعددی می‌شود که به تفصیل در کتاب‌هایی مانند «مفاتیح الحیة» علامه جوادی آملی و کتاب‌های متعدد دیگر، بیان شده است. نگارنده در این مقاله، درصدد بررسی بخش انفاق و دستگیری از نیازمندان در سبک زندگی اجتماعی عالمان برجسته عصر ناصری است.

علت تمرکز بر دوره ناصری بدان سبب است که در این دوره، علمای بسیار بزرگی از حیث جایگاه علمی، اجتماعی، اخلاقی و عرفانی می‌زیستند و تعاملات اجتماعی وسیعی با اقشار مختلف جامعه داشته‌اند.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که در این دوره نقش برجسته علمای ربانی در رسیدگی به امر نیازمندان، در حالی است که ایشان مشغول امور متعددی از قبیل تدریس، تحقیق و تألیف، تبلیغ، رسیدگی به خانواده و اطرافیان و فعالیت‌های سیاسی ... بوده‌اند.

گویا این سخن امام حسین علیه السلام را به خوبی دریافتند که فرمود: «نیاز مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شما است، از این نعمت افسرده و بیزار نباشید». (مجلسی، پیشین: ۲۰۵/۷۴)

مفاهیم

۱- سبک زندگی

سبک زندگی؛ اصطلاحی است که از نیمه دوم قرن بیستم به‌عنوان رویکردی به واقعیت‌های اجتماعی ظهور کرد. سبک زندگی را در یک صورت‌بندی ابتدایی، می‌توان مجموعه‌ای از شیوه‌های رفتاری یا انتخاب‌های الگومند تلقی کرد که افراد درصدد هستند، از طریق آنان، تمایزها و تشابه‌های هویتی‌شان را ابراز نمایند. از منظر اسلامی، سبک زندگی به‌عنوان شیوه سنجیده، مطرح است که افراد از طریق آن به پرسش‌های اصیل وجودی خود، پاسخ می‌دهند.

پرسش‌هایی در حیطه مبدأ شناسی، فرجام شناسی و زندگی دنیوی که تلاش برنامه‌ریزی شده برای پاسخ دادن به آن، سبک و شیوه انسان را تعیین می‌کند؛ بنابراین سبک زندگی از منظر اسلام، از دغدغه‌های اصیل و متعالی نشئت می‌گیرد که در بنیادی‌ترین لایه‌های هستی انسان ریشه دارد. (شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۴۷)

۲- عهد ناصری

ناصرالدین شاه قاجار، چهارمین پادشاه قاجار است. بعد از درگذشت پدرش - محمدشاه قاجار - در اواخر تابستان ۱۲۶۴ ه.ق. در تهران در ۱۶ سالگی به کوشش امیرکبیر به سلطنت رسید. ناصرالدین شاه در حدود پنجاه سال پادشاهی کرد که طولانی‌ترین دوران پادشاهی در میان پادشاهان قاجار است. (نظریور، ۱۳۹۰: ۱۶)

در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه، یکی از اتفاق‌های مهم را باید دوران صدارت میرزا محمدتقی خان فراهانی مشهور به امیرکبیر ۱۲۶۴ تا ۱۲۶۸ ه.ق. دانست. دوران صدارت وی سه سال و سه ماه بوده است. امیرکبیر در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی؛ اصلاحات و خدماتی انجام داده است. (آدمیت، ۱۳۴۸: ۲۶۱-۲۸۹)

۳- علما

علمایی که سیره ایشان در این نوشتار بررسی شده است آیات عظام: محمدحسن نجفی (صاحب جواهر)، شیخ اعظم مرتضی انصاری، میرزای شیرازی، ملا علی کنی، سید کاظم یزدی (صاحب عروه)، شیخ فضل الله نوری، ملاقربانعلی زنجانی، علامه میرحامد حسین، میرزا جهانگیرخان قشقایی، حاج ملاهادی سبزواری، آقاجنقی اصفهانی، شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین)، ملاهادی نجم‌آبادی و شیخ جعفر شوشتری رحمته‌م‌علیه می‌باشند.

سبک علما در کمک به نیازمندان در اشکال مختلفی تحقق یافته است، از جمله اهتمام به حل مشکلات نیازمندان در هر شرایطی، اهتمام به امر معیشتی اهل علم به خصوص نخبگان ایشان، دعوت از فقراء در مراسم اهل بیت علیهم السلام، شروع انفاق از ارحام نیازمند، انفاق با اجرت نماز استیجاری، انفاق از طریق گرو گذاشتن منزل مسکونی، انفاق از طریق جمع‌آوری صدقه در نماز جماعت، کمک به اسیران شیعه، اهتمام به امر معیشتی دشمنان، تکفل ایتم و تقبل هزینه‌های بیماران، انفاق سازمان‌یافته و منظم، رعایت آداب انفاق مانند کمک پنهانی به نیازمندان، پنهان نمودن مقدار مبلغ کمک شده و رعایت ادب و احترام حین انفاق.

در ذیل به بررسی تفصیلی موارد مذکور می‌پردازیم.

۱.۱. ایثار و فداکاری بسیار در راه انفاق

در میان علمای این دوره، نام مرحوم آقا نجفی اصفهانی با مردم‌داری و دستگیری از نیازمندان به هر شکل ممکن گره‌خورده است تا جایی که حمایت از مردم را می‌توان محور سیاست آقا نجفی دانست. ایشان اهتمام کم‌نظیری در اصلاح مفاسد و انجام مقاصد مردم، از هر طبقه، قشر، دین و آیینی از جمله کلیمی، مسیحی، زرتشتی و غیره داشتند. افزون بر این‌ها، پناه دادن به هر مظلومی، حمایت کردن از او در حد کمال، ستیز و جدال با استبداد شاه، حکام، دولت و دولتیان تا حد فداکاری و جان‌فشانی در حوادث ناگوار، پشت و پناه ستمدیدگان بودن، خود را سپر بالای مردم ساختن و قدم، قلم، زبان، مال و جان خود را وقف خدمت به خلق نمودن، مؤثرترین عوامل نفوذ و قدرت اجتماعی و سیاسی ایشان بود. (نجفی، ۱۳۸۴: ۱۳۰)

۲. کمک به اهل علم

آقا نجفی مال بسیار زیادی را که از طریق ارث و وجوهات، جمع‌آوری نموده بودند، انفاق کردند. هر ساله در حدود ۸۰۰ خروار جنس و ۱۰ هزار تومان نقد، میان طلاب و فقرا تقسیم می‌نمودند و اهل علم را بسیار احترام می‌کردند؛ لذا همواره مجلس درس ایشان، مملو از فضلا و محصلان بود. (قاسمی، ۱۳۹۴: ۲۶۶)

آقا جمال‌الدین قدسی از آقا نجفی و بذل و بخشش او این‌گونه می‌گویند:
وقتی نمازش تمام می‌شد از مسجد به قصد خانه راه می‌افتاد. در فاصله مسجد و خانه، عده‌ای فقیر، همراهش می‌شدند. آقا تا وقتی پول داشت به فقرا کمک می‌کرد و آخرین فقیر را هم محروم نمی‌کرد؛ بدین معنا که شانه‌ها را کت می‌گرفتند تا مرد نیازمند بتواند به آسانی عباى آقا را بردارد! (قدسی، ۱۳۷۷: ۸۵)

۳. دستگیری از نیازمندان در هر زمان و مکان

حاج شیخ محمدتقی نجفی (نوه مرحوم آقا نجفی) از مرحوم همایی نقل می‌کردند:

مرحوم آقا نجفی گفته بودند که هرگاه کسی با من کار داشت، در هر وقت روز یا شب که باشد مرا خبر کنید. وی می‌گوید من ساعت ۲ بعد از نیمه‌شب به قصد امتحان به درب خانه ایشان رفتم، در زدم و دیدم که خود آقا با یک‌شب کلاه بر سر و یک کیسه پول و یک‌قلم و کاغذ آمدند دم درب و گفتند: فرزندم این وقت شب چه حاجت داری؟ اگر پول می‌خواهی به تو بدهم و اگر مظلوم واقع شده‌ای و یا حاجتی داری برایت کاغذی بنویسم. عرض کردم آقا آمده بودم جوایب سلامت حضرت عالی باشم. (نجفی، ۱۳۸۴: ۲۲۲)

محمدباقر الفت (فرزند آقا نجفی) در مورد اهتمام آقا نجفی به دستگیری از نیازمندان می‌گوید:

«به اعتقاد من بهترین اعمال او اهتمام کامل در انجام مقاصد خلق بود که تا آخرین نفس تجاوز نکرد و احدی در خاک اصفهان نیست که از این مرد انتفاعی نبرده باشد! همین حسن مسلک، علت غلبه و حفظ دولت او بود.» (قاسمی، ۱۳۹۴: ۲۷۷)

نکته جالب توجه این که ایشان تا لحظات آخر عمر خویش، از خدمت به خلق دست نکشیدند. فرزند ایشان می گوید:

«حتی آخرین مکتوبش به حکومت وقت، نیم ساعت قبل از مرگ، سفارش یک نفر متظلم بود؛ و هنوز آن شخص به دارالحکومه نرسیده بود که صدای شیون از خانه، به گوش حکومت رسید.» (همان: ۲۷۷)

۴. اولویت بندی نیازمندان برای انفاق

«ادوارد براون» درباره دستگیری حاج ملا هادی سبزواری از نیازمندان

می نویسد:

این محصل قانع و زحمتکش، از درآمد املاک موروثی خود در سبزواری زندگی می کرد؛ و چون عایدات وی خیلی بیش از هزینه اش بود، دقت داشت که ببیند در بین طلاب مدرسه، کدام محتاج ترند. همین که می فهمید که نیازمند است، در غیاب آنان چند تومان و گاهی ده تومان در اتاق آنان می گذاشت؛ بدون اینکه بعد، خود را معرفی نماید و بگوید آن وجه را در اتاق گذاشته. به قراری که شهرت دارد، حاج ملا هادی سبزواری، به این ترتیب در مدت اقامت خود در اصفهان، مبلغ یک صد هزار تومان به نیازمندان داد. (براون، ۱۳۸۴: ۱۶۱)

سیره مستمر ایشان بود که از حاصل زراعتی که از دسترنج خویش به دست آمده بود، پس از ادای حقوق واجب، ثلث آن را گاهی یکجا و گاهی به صورت

تدریجی به فقرا می دادند. (انجمن علمی و آثار فرهنگی، ۱۳۸۳: ۳۲)

۵. دعوت از فقیران در مراسم اهل بیت علیهم السلام

حاج ملا هادی سبزواری در مراسم روضه‌های خانگی‌شان نیز از فقرایی که نقص جسمانی داشتند، دعوت نموده و اطعام می‌کردند. به هر نفر نیز یک قران می‌بخشیدند و خمس و زکات مال خود را هر ساله به دست خود به سادات و مستحقان می‌رسانیدند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ۱۹۹/۳-۲۰۰)

نوشته‌اند در روز عید غدیر به فقرا و سادات یک قران و به غیر سادات ده شاهی می‌دادند. (انجمن علمی و آثار فرهنگی، پیشین: ۳۲) ایشان در شب عاشورا مجلس عزاداری به پا می‌داشتند که این مجلس، مختص فقرا بود. غذا نیز نان و آبگوشت بود. از طلاب مدرسه هر کس مایل بود می‌رفت. (همان: ۱۷)

۶. شروع انفاق از ارحام نیازمند

توجه حاج ملا هادی سبزواری به نیازمندان تا جایی بود که نوشته‌اند پس از بازگشت از اصفهان به سبزوار، مقداری از اموال موروثی خود را به فقرای ارحام، انفاق نمودند. (همان: ۳۲)

علما در عین حال که به دستگیری از همه اقشار مردم اهتمام داشتند، به معیشت طلاب نیز اهتمام داشتند که در آن روزگار، معیشت ایشان بسیار سخت می‌گذشت. در تاریخ زندگی مرحوم حاج ملا هادی سبزواری آمده است که در فصل انگور، تمام طلاب را به باغچه خود دعوت می‌نمودند. (همان: ۳۲)

مرحوم سید کاظم طباطبایی یزدی - صاحب عروه - از دیگر علمایی بودند که همواره دغدغه معیشت طلاب را داشته‌اند. به خصوص در شرایط آن روز که طلاب و فضلالی حوزه علمیه، به نوعی گرفتار فقر و تهیدستی بودند. ایشان اولین کسی بودند که به طور روزانه برای طلاب و خانواده‌های آنان، نان تعیین کرد. یکی از خدمات عام ایشان، مقرری نان روزانه بود که نوع طلاب و روحانیون مقیم حوزه، بهره‌مند می‌شدند.

۷. حمایت از نخبگان نیازمند

مرحوم صاحب عروه، در کنار این کمک‌ها، خدمات خاص و ویژه نیز داشتند که شامل حمایت‌های گسترده مالی و معنوی می‌شد و بستگی به میزان دانش و تعهد دینی و اخلاقی اشخاص داشت. این رفتار دوگانه ایشان را با ادبیات کنونی می‌توان «حمایت از نخبگان» نامید؛ یعنی نسبت به آن دسته از طلاب و روحانیون که در تحصیل دانش جدی بودند، توجه خاص مبذول می‌داشتند و به طریق گوناگون می‌کوشیدند که مشکلات آنان را برطرف کنند. از جمله اینکه با ثروتمندان پاک دست و نیکوکار شهرهای مختلف تماس می‌گرفتند و به آن‌ها مؤکد سفارش می‌کردند که با حمایت‌ها و مساعدت‌های خویش، مشکلات و تنگناهای مالی را از زندگی روحانیون پارسا و خدوم برطرف سازند. (ابوالحسنی، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۵)

از ایشان نامه‌های متعددی وجود دارد که به رجال علمی، اجتماعی و سیاسی ایران نوشته و در آن توصیه کرده است که فلان فرد از علمای فاضل را که تازه به آن دیار آمده، آن‌گونه که شایسته است اکرام و احترام کنند و احیاناً مشکلات مالی وی را نیز برطرف سازند. (همان: ۱۷۸)

با توجه به محدودیت امکاناتی که ایشان در مواقع بحران داشتند، سختی‌ها و مشکلاتشان بیش‌ازپیش می‌شد و ناگزیر بودند با کمک گرفتن از دیگران، گره از مشکل خلق بکشایند. به‌عنوان نمونه سال‌های جنگ جهانی اول که آتش جنگ به درون عراق کشیده شد و برای مدت طولانی کلیه راه‌ها مسدود شد و مخارج تأمین نیازهای جنگ و مجاهدان نیز بر مخارج قبل افزوده شد، ایشان به لحاظ اقتصادی در تنگنای بسیار شدیدی قرار گرفتند و در رساندن کمک‌های همیشگی خود به طلاب حوزه و نیازمندان بیرون از حوزه، شدید دچار مشکل شدند. این امر در نامه‌ها و مکتوبات ایشان و همراهانشان در آن زمان، کامل بازتاب دارد. (همان: ۱۶۵)

۸. انفاق مخفیانه

شیخ اعظم مرتضی انصاری نیز دستگیری فقیران و مستمندان را از وظایف حتمی خود می‌دانست و از ایام کودکی، این شیوه خدایسندانه را داشته و از اشخاص موثق، متواتر نقل شده که در بقعه پیرمحمد، واقع در محله حیدر خان دزفول، فقیری عاجز بوده و شیخ (در کودکی) هر شب شام خود را به آن فقیر می‌داد و خود با شکم گرسنه می‌خوابید و یا به اندک چیزی قناعت می‌نمود.

اغلب عطایای آن مرحوم، در سر بود. کثیری از فقرا، معاش معین داشتند که پیوسته - سالانه و ماهانه - به آنان می‌رسید، در حالی که نمی‌دانستند از کجاست. در وقت سحر، بالباس مبدل بر در خانه فقرا می‌رفت و صورت خود را می‌پوشاند و به مقدار حاجت آن‌ها مرحمت می‌فرمود و چون شیخ از دنیا رفت، معلوم شد آن مردی که بر درب منازل این مردم در اوقات خاصی می‌آمد، آن مرحوم بود. (انصاری، ۱۳۷۳: ۱۰۴)

معروف است که بعضی از اصحاب شیخ انصاری، در اهمیاتی که در رساندن حقوق، به مستحقان داشته، ستایش و تمجید نمودند؛ شیخ در جوابشان فرمود: این مطلب، وسیله فخر و کرامتی نیست؛ زیرا وظیفه هر یک از عوام و مردمان بازاری است که امانت را به صاحبش برسانند و این وجوه هم حقوق فقرا و امانت ایشان است که به صاحبانشان می‌رسانم. گاهی از اوقات که اشیا نفیس و ذی‌قیمت، خدمت شیخ می‌آوردند، آن‌ها را به ملا رضی الله عنه می‌داد و می‌فروخت و قیمتشان را به مستمندان و طلاب، تقسیم می‌کرد. (همان: ۱۰۴)

۹. انفاق با اجرت نماز استیجاری

در احوال شیخ مرتضی انصاری آورده‌اند که سیدی از فضایل آن عصر، بسیار مضطر شده و عیال او در حال وضع حمل بود. یکی از علما گفت:

نزد شیخ رفته تا مرحمتی درباره او بفرماید. شیخ فرمود، در نزد من هیچ چیز نیست به جز قدری وجه برای صوم و صلوات. خوب است دو سال عبادت (نماز و روزه استیجاری) برای او بدهم. عرض کردم فلانی آقازاده است و از خاندان اهل علم است و چنین کارهایی را نکرده؛ بعلاوه محصل است و منافات با کار او دارد. شیخ تأمل نموده فرمود: پس من دو سال عبادت، خودم به جا می آورم از طرف صاحب وجه و هشت تومان، اجرت آن را به جهت آن سید ببرید و چنان نمود. (همان: ۱۰۶)

انجام این کار از سوی شیخ انصاری، در زمانی بود که مشغول تدریس، پاسخ به استفتاء مردم، نماز جماعت، عیادت مریض، رفت و آمد با مردم، مطالعه، تشیع جنازه، رفتن بر در خانه فقرا، عبادت های شخصی خود، ضبط مال فقرا و رساندن به دست آنها، اصلاح مفاسد عامه و غیره و غیره بوده اند و با این وجود، عبادت استیجاری می کرده و اجرت او را به مردم می داد! (همان)

۱۰. کمک به اسیران شیعه

شدت اهتمام شیخ انصاری در رسیدگی به نیازمندان تا آنجا بود که حتی اموالی که به عنوان تحف و هدایا به ایشان می رسید، بین طلاب و مستمندان قسمت می نمود و مقداری از آن را هم برای آزاد نمودن زواری که در راه مشهد، اسیر (ترکمان ها) می شدند، ارسال می داشت؛ چه اینکه آن زمان، منطقه خراسان، (به خصوص جاده تهران - مشهد) دائم در معرض هجوم، غارت و کشتار ترکمانانی بود که به طور ناگهانی به کاروان ها حمله می کردند و گاهی گذشته از غارت اموال، برخی از اعضای قافله، به ویژه پسران و دختران شیعه را اسیر گرفته و برای فروش به نقاط دور همچون روسیه و اروپا می فرستادند. شگفت آور است که شیخ انصاری، با آنکه در نجف اشرف و صدها فرسنگ دور از خراسان می زیست، از حال این گونه افراد، غافل نبود و بخشی از تحف و هدایایی را که به محضرش تقدیم می کردند، صرف آزادی اسیران شیعه می نمود. (همان: ۳۸)

۱.۱. صدقه در نماز جماعت

سید مرتضی نجفی که مرد عادل و باتقوا بود در اوایل عمرش، شیخ جعفر شوشتری را درک کرده بود، نقل کرده که روزی شیخ جعفر برای نماز ظهر تأخیر کرد و به مسجد نیامد. مردم که از آمدن شیخ ناامید شدند، شروع کردند نماز را فرادا خواندن. چیزی نگذشته بود که شیخ وارد مسجد شد و با ناراحتی مردم را سرزنش کرد که چرا نماز را فرادا می‌خوانید و یک نفر عادل بین شما نیست که به او اقتدا کنید؟ سپس مؤمنی را دید که - تا اندازه‌ای امکانات مالی نیز داشت - نماز می‌خواند. به او اقتدا کرد و به نماز ایستاد. مردم که شیخ را دیدند به آن مؤمن اقتدا کرده، همه پشت سر او ایستادند و اقتدا کردند و آن مؤمن به قدری شرمنده شد که نمی‌دانست چگونه نماز را تمام کند. پس از ادای نماز ظهر، کنار رفته و به شیخ عرض کرد: باید نماز عصر را خود جنابعالی امامت کنید. شیخ خودداری کرد؛ اما او اصرار نمود تا اینکه بالاخره شیخ گفت:

حال که اصرار می‌کنی، اگر پولی بدهی که همین جا بر فقرا تقسیم کنیم، از امامت تو صرف نظر می‌کنیم. آن مرد پذیرفت و ۲۰۰ شامی که پول رایج آن زمان بود، به شیخ پرداخت. ایشان قبل از شروع به نماز عصر، دستور داد فقرا را جمع کنند و همان‌طور پول‌ها را بر آن‌ها تقسیم نمود و سپس به نماز ایستاد. (ادبی، ۱۳۸۹: ۶۸)

ایشان در ملاقات با شاه، درخواست نمودند که در راه عبورشان، قریه‌ای هست که از سنگینی مالیات شکایت داشتند و مراجعه کردند که من درخواست تخفیف از شما بکنم. شاه نیز مالیات آن قریه را به کلی بخشید. (همان: ۱۱۰)

شبهه به این ماجرا را در مورد شیخ فضل‌الله نوری نوشته‌اند که مربوط به زمانی است که شیخ در هجرت کبرا در قم اقامت داشتند و برای مبارزه با نظام خودکامگی در کشور می‌کوشیدند. کشاورزان قم و بعضی از شخصیت‌های آن

شهر، نزد شیخ آمدند و با طرح این نکته که حاصل کشتشان از هجوم ملخ‌ها سخت آسیب دیده و از حیث اقتصادی وضع ناگواری دارند، درخواست کردند که شیخ نزد دولتیان، پادرمیانی کند تا در نحوه پرداخت مالیات آنان تخفیفی داده شود. شیخ نیز چنین کرد و در نامه به عضد الملک که مرید شیخ و واسطه بین شاه و مهاجران بود، نوشت:

همان قسم که شفاهاً به عرض مبارک رسانید، واقعاً ترتیب زراعت هذّه السنّه واسطه ملخ‌خواری و زنگ، خیلی مغشوش و تمام اهالی این صفحه مورد ترحم می‌باشند. امر و مقرر فرمایید که به ترتیب معمولی سنواتی، مالیات خود را تسعیر نموده، برسانند و عموماً... دعاگو و مرقّه الحال باشند، امید است مراحم خود را مبذول فرمایید. (ابوالحسنی، ۱۳۸۵: ۹۲)

۱۲. اهتمام به امور معیشتی دشمنانشان

شیخ فضل‌الله نوری در یاری‌رساندن حتی نسبت به دشمنان قسم‌خورده خویش نیز منشی کریمانه داشت. رفتار ایشان با «کریم دواتگر» شاهد خوبی است بر این ادعا. کریم از او باش تهران بود که در ماه‌های آخر عمر شیخ، در صدد ترور او برآمد و گلوله‌ای به ران شیخ زد که درد آن، وی را تا پایان عمرش آزار می‌داد. کریم دستگیر شد و به زندان افتاد. حتی شاه می‌خواست او را به قتل برساند ولی شیخ در مورد کریم، جوانمردی نمود و از خون او گذشت و مانع قتل و مجازاتش شد.

آیت‌الله لنکرانی در این باره می‌نویسد:

«آنچه آن وقت ما شنیدیم این بود که در ایام دستگیری و حبس کریم، شیخ، کسی را به در خانه او می‌فرستد تا به عیال او سرکشی و کمک کند. فرستاده شیخ، غذا و پول به او می‌دهد و آن زن به جان شیخ دعا می‌کند.» (همان: ۹۹)

۱۳. تکفل یتیمان و بیماران

از خصوصیات بارز ملا علی کنی، رسیدگی به ضعیفان و دستگیری از مستمندان و تلاش در پی رفع گرفتاری نیازمندان بود و بر این سیره نیکو، اصرار داشت و از انجام آن غفلت نمی‌کرد. ایشان مانند پدری دلسوز، بسیاری از یتیمان درمانده و بی‌سرپناه را تحت تکفل قرار داده، برای گذراندن زندگی آنان مقرری مناسبی در نظر گرفته بود. ایشان همچنین برای حل مشکل درمانی بیماران که بینه مالی ضعیفی داشتند، مکان‌هایی را برای پرداخت پول داروها در نظر گرفته بودند تا آنان با دریافت مبلغ آن، به درمان خود اقدام کنند و با بهبود کامل از بیماری رهایی یابند. این عمل پسندیده از سوی یک پیشوای دینی، سرمشق و الگوی مناسبی برای توانگران و رهبران دینی است تا با شیوه محترمانه و با رعایت آبروی افراد مستمند، نیاز فوری و ضروری آنان را برطرف ساخته، گره از مشکلشان بگشایند. (انصاری قمی، بی‌تا: ۲۰۰-۲۰۱)

۱۴. انفاق با هزینه گرو گذاری منزل مسکونی

از برخی اقدامات علما برای دستگیری از نیازمندان، می‌توان به شدت اهمیت ایشان به این مسأله پی برد. در مورد ملا قربانعلی زنجانی، میزان این اهتمام به عین قابل مشاهده است.

مرحوم محمد امیدی از شعرای زنجان می‌نویسد:

«سخاوت و گشاده‌دستی و علو نفسش به حدی بود که پیوسته منزلش را در بیع شرط پولداران گذاشته و پول می‌گرفت و به فقرا می‌داد. از وجوه برّ حیاتش (منزلش) را آزاد می‌کردند، باز در شرط می‌گذاشت، انفاق می‌کرد.» (ابوالحسنی، ۱۳۷۴: ۲۵۳)

۱۵. استمرار در کمک به نیازمندان

گروه زیادی از فقرا و ضعفا، مستمری‌بگیر حجه الاسلام ملا قربانعلی بودند؛ یعنی برای آن دسته از مردم که تن سالمی برای کار کردن و سرمایه‌ای برای تجارت نداشتند و نیازمند بودند، برای ایشان مستمری قرار داده بود که مقدار آن بسته به تعداد عائله آنان بود. برای برخی‌شان پنج قران، برای بعضی‌ها بیشتر و یا کمتر مستمری قرار داده بود. اغلب آنان را می‌شناخت و سر موعد مراجعه می‌کردند. می‌گفتند: پسرم آمدی، بیا بگیر و دستش را می‌برد و از زیر پوستین خود، جیره او را برمی‌داشت و می‌داد. (شکوری، ۱۳۸۱: ۳۱۵)

آن گونه که در منابع آمده، وجوهات شرعی که از طریق تجّار و مردم به دست ملا قربانعلی می‌رسید، اغلب همان وقت و فی المجلس، میان سادات فقیر و سایر فقرا تقسیم می‌کردند. (همان: ۳۱۶)

۱۶. ارجاع مستحقان به اخذ وجوهات

گاهی وجوهات را نزد صاحبانشان نگه می‌داشت و ضعفا را به ایشان ارجاع می‌داد. صاحب معارف الرجال می‌نویسد:

«معروف است که سیره حجت‌الاسلام در باب وجوه شرعی که تصدی اخذ و صرف آن‌ها را به عهده داشت، آن بود که این مبالغ و پول‌ها را نزد صاحبان آن باقی می‌گذاشت و مستحقان را به آنان ارجاع می‌داد.» (حرزالدین، ۱۴۰۵ق: ۱۵۹/۲)

۱۷. تقسیم هدیه شاه بین مستحقان

نوشته‌اند ناصرالدین شاه، روزی که زنجان را ترک می‌نمود، مبلغ ۳ هزار تومان وجه نقد به حضور ملا قربانعلی می‌فرستد. ایشان در میان حیرت همگان، ضمن اظهار تشکر، آن را می‌پذیرد ولی به هنگام عزیمت نماینده شاه، عین وجه

را به او پس می‌دهد و می‌گوید از لطف شاه ممنونم و از ایشان می‌خواهم این وجه را به مستحقان پردازند و مطمئن باشند که بحمدالله من در عنایت خدا و در استغنائی مطلق، عمر می‌گذرانم. (ابوالحسنی، ۱۳۷۴: ۲۶۴)

با مروری بر سبک و سیاق رسیدگی به نیازمندان از سوی علما درمی‌یابیم که ایشان در این مورد نیز بسیار سنجیده، هدفمند و با برنامه عمل می‌نمودند.

۱۸. کمک به قحطی‌زدگان به صورت سازمان یافته و منظم

علامه سید حسن صدر در مورد چگونگی کمک به نیازمندان، توسط میرزای شیرازی، چنین می‌نویسد:

سال ۱۲۸۸ هجری قمری، قحطی عظیمی در نجف و سایر شهرهای عراق به وقوع می‌پیوندد. در این هنگام، میرزا کفالت امر اهل علم و فقرای ساکن نجف را به بهترین وجه به عهده گرفت و برای این کار در هر محله، عده‌ای را تعیین نمود و نیز برای مدارس و فقرا، افرادی را برگزید تا بدین وسیله به امور همه مردم رسیدگی کند. من در آن زمان در نجف بودم و اگر بخواهم شرح ماجرا را به‌طور کامل بگویم، بسیار طول می‌کشد. خلاصه آنکه وضع به همین منوال ادامه داشت تا سال جدید و محصول جدید فرارسید و آن شدت و سختی از میان مردم مرتفع گردید. (آقابزرگ تهرانی، بی تا: ۴۱)

۱۹. حفظ احترام و آبروی نیازمند

روش میرزای شیرازی در کمک به نیازمندان، درخور توجه است و الگوی خوبی در شیوه انفاق و حفظ آبروی نیازمندان می‌تواند، قرار بگیرد. سید حسن صدر در این باره می‌فرماید: روش و شیوه میرزا در تقسیم وجوه قابل توصیف نیست. هنگامی که میرزا می‌خواست با دست خود وجوهی را پردازد، در کمال ادب و احترام و در نهایت تواضع و پنهانی، مبادرت به این کار می‌نمود؛ به گونه‌ای که شخص مقابل، علاوه بر

امتنان وافر، به هر مقدار که به او بخشیده شده بود نیز خشنود می شد و هیچ گاه در این حال در خود، احساس حقارت و کوچکی نمی کرد.

۲۰. استتار مبلغ انفاق

میرزای شیرازی، پول نقد را همیشه در میان پاکت گذاشته یا در کاغذی می پیچید. این شیوه را علاوه بر شاگردان، با افراد دیگر هم به کار می بست. چه بسا او را می دیدم، خود را در کنار عابری قرار داده و او را به سخن می گرفت و در عین حال کیسه پول سربه مهری را در جیب او می انداخت و آن شخص بعد از مفارقت، تازه متوجه می شد که چیزی در جیبش سنگینی می کند. (همان: ۵۷)

۲۱. پنهان کردن انفاق از نزدیکان

اگر میرزا می خواست پولی را به وسیله خدمتکارش برای کسی بفرستد به او می گفت امانتی پیش من فرستاده شده است که باید به فلانی برسانی. هیچ کس نباید بفهمد. به او بگو که این امانت را نزد ما فرستاده اند تا به شما تحویل دهیم. میرزای شیرازی احترام و منزلت افراد را این گونه حفظ می کرد و حتی نمی گذاشت که خدمتکارش از کمک های مالی او به دیگران اطلاع پیدا کند. (همان: ۵۸)

۲۲. ارتباط وثیق با تجار بلاد برای رسیدگی به فقرای آن شهرها

میرزای شیرازی در هر شهر، وکیلانی از میان تجار داشتند که فهرست اسامی فقرای آن شهر را برای آنان فرستاده و میزان کمک به آنها را هم معین می کردند. این فقرا غیر از کسانی بودند که به طور سالانه یا ماهانه مقرری داشتند. نگاه میرزا در فقرزدایی و کمک به فقرا، مخصوص شهرهای خاصی نبود؛ بلکه میرزا در رسیدگی به فقرا، نه تنها تمام شهرهای عراق را مدنظر داشتند، بلکه نقاط مختلف ایران هم مورد توجه و رسیدگی ایشان بود و به نیازمندان - از فقرای آن شهرها - به اندازه توان، کمک می کردند.

اگر در شهری، بزرگ و پیشوایی از دانشمندان دین بود که به او اعتماد داشت، هر سال مبلغی پول برایش می‌فرستاد تا مقداری از آن را بین افرادی که نیازمند واقعی بودند، تقسیم نماید و مقداری را هم خود بردارد. توجه ایشان به فقرا به حدّی بود که می‌فرمودند:

از انصاف به دور است که وجوهات یک شهر را بگیریم و فقرای آنجا را فراموش کنیم. مردم هرچه دارند نزد ما می‌فرستند و به کسی چیزی نمی‌دهند. دانش‌پژوهان و نیازمندان مشاهد مشرفه، در نظر او از موقعیت خاصی برخوردار بودند و برای همگی آنها، بدون استثنا مقرری تعیین شده بود. حتی برای کسانی که عبادت استیجاری می‌پذیرفتند نیز کمک می‌فرستادند. مقداری جهت عبادت و مقداری جهت انتظام پذیرفتن امور زندگی آنها. (همان)

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد به خوبی دانسته می‌شود که تعامل اجتماعی و رسیدگی به امور مردم، در سبک زندگی علمای دوره ناصری، جایگاه ویژه‌ای داشته است و ایشان در حقیقت می‌توانند، الگوی تمام عیاری در این زمینه باشند. علمای این دوره، در دستگیری از نیازمندان بسیار منعطف عمل می‌نمودند؛ به گونه‌ای که در هر زمان و مکانی که دست نیاز به سویشان می‌آمد، از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کردند؛ هر چند خود ایشان در کمک رساندن به نیازمندان، همیشه مقدم بودند و این مهم، سیره مستمر ایشان در طول زندگی پربارشان بوده است.

سبک زندگی ایشان در دستگیری از نیازمندان، شامل موارد متعددی می‌شود از قبیل: ترجیح نیازمندان بر نیاز خود، حفظ آبروی نیازمندان هنگام انفاق از طریق انفاق در سر و انفاق غیرمستقیم، اولویت انفاق به ارحام و خویشان، انفاق از طریق گرو گذاشتن منزل، انفاق از طریق نماز استیجاری، کمک به شیعیان اسیر، تکفل یتیمان، تقبل هزینه‌های بیماران، رسیدگی به فقرای سایر شهرها از طریق رابطان علما و مردم آن شهر (این رابطان عموماً تجار همان بلاد بودند)، کمک به طلاب نیازمند، به‌خصوص آن دسته از طلاب که اهتمام جدی به درس و بحث داشته‌اند.

منابع و مأخذ

۱. آدمیت، فریدون. (۱۳۴۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
۲. آقابزرگ طهرانی، محمدحسن. (بی تا)، *هدیه الرازی الی الامام المجدد شیرازی*، ترجمه: اداره پژوهش و نگارش.
۳. ابوالحسنی، علی. (۱۳۷۴)، *سلطنت علم و دولت فقیر*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. _____ (۱۳۸۹)، *فرا تراز روش آزمون و خطا*، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.
۵. _____ (۱۳۸۵)، *آخرین آواز قو*، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.
۶. ادبی، محمدجواد. (۱۳۸۹)، *بزرگداشت آیت الله شیخ جعفر شوشتری*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۷. اعتماد السلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۲)، *مطلع الشمس، پیشگام*، ج ۳، [بی جا]: [بی نا].
۸. انجمن علمی و آثار فرهنگی. (۱۳۸۳)، *زندگینامه حاج ملاهادی سبزواری*، تهران: [بی نا].
۹. انصاری قمی، ناصرالدین. (بی تا)، *اختران فقاہت*، قم: دلیل ما.
۱۰. انصاری مرتضی. (۱۳۷۳)، *زندگانی و شخصیت شیخ انصاری*، قم: کنگره شیخ اعظم انصاری.
۱۱. براون، ادوارد. (۱۳۸۴)، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه: مانی صالحی علامه، تهران: نشر اختران.
۱۲. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۴)، *شاخص های سبک زندگی اسلامی*، قم: موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی.
۱۳. حرز الدین، محمد. (۱۴۰۵ق)، *معارف الرجال*، ج ۲، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۴. شکوری، ابوالفضل. (۱۳۸۱)، *خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران*، زنجان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان.

۱۵. قاسمی، رحیم. (۱۳۹۴)، *احوال و آثار شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی*، قم: کتابشناسی شیعه.
۱۶. قدسی، بهزاد؛ قدسی، منوچهر. (۱۳۷۷)، *دولت دیدار*، [بی جا]: آتروپات کتاب.
۱۷. مجلسی، محمدباقر. (بی تا)، *بحارالانوار*، بیروت: دارالاحیاء تراث عربی.
۱۸. نجفی، موسی. (۱۳۸۴)، *حکم نافذ آقا نجفی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. نظر پور، مهدی. (۱۳۹۰)، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم: زمزم هدایت.